

سنت پیروزی، جانشینی و تمکین برای مؤمنان

احمد السید | ترجمہ: عبدالجمیل جابر



مرکز مطالعات متین

سنت پیروزی، جانشینی و تمکین برای مؤمنان

**سنت پیروزی، جانشینی
و تمکین برای مؤمنان**

سنت پیروزی، جانشینی و تمکین برای مؤمنان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سنت پیروزی، جانشینی و تمکین برای مؤمنان

سنت پیروزی، جانشینی

و تمکین برای مؤمنان

نویسنده: احمد السید

ترجمه: عبدالجمیل جابر

ویراست اول: زمستان ۱۴۰۳



مرکز مطالعات متین

MatinStudies.com

فهرست

- یک: بیان معنای این سنت ۶
- دو: ضوابط روش شناختی برای فهم این سنت ۷
- سه: دلایل این سنت از وحی و بیان معنای این دلایل و تبیین سخنان مفسران
درباره آنها ۲۸
- چهار: رابطه این سنت با سایر سنت ها ۵۴
- پنج: حکمت ها و اهداف سنت پیروزی ۵۴
- شش: آثار و نتایج آگاهی از سنت پیروزی ۵۸
- هفت: تطبیق این سنت بر واقع معاصر ۵۹

سنت پیروزی، جانشینی و تمکین برای مؤمنان |

بسم الله الرحمن الرحيم

سنت پیروزی، جانشینی و تمکین برای مؤمنان

یک: بیان معنای این سنت

سنت پیروزی:

سنتی الهی است که حکم می‌کند خداوند متعال پیامبران و پیروان آنها را که به دین او عمل می‌کنند، در برابر دشمنانشان یاری دهد؛ این یاری یا از طریق غلبه با شمشیر است یا از طریق برتری کلام و ظهور حجت.

سنت جانشین‌سازی و تمکین:

سنتی الهی است که حکم می‌کند خداوند زمین را به بندگان مؤمنش داده و پس از نابودی دشمنان خود و دشمنان دین او، آنها را در زمین جانشین سازد.

دو: ضوابط روش شناختی برای فهم این سنت

۱. این سنت ثابت و پایدار است و هرگز نقض نمی‌شود:

ابن تیمیه رحمه الله می‌گوید: «این سنت الهی و عادت او است که وقتی بندگان مومنش وظیفه‌شان در قبال کافران را انجام دهند، پیروزشان می‌کند و از کافران انتقام گرفته و عذاب‌شان می‌دهد؛ آن کافرانی که پیام به آنان رسیده است. چه این عذاب و مجازات از طریق عذابی از جانب خداوند باشد یا به دست مؤمنان، و این سنتی است که هرگز نقض نمی‌شود»^۱.

۲. شرایط پیروزی و دلایل شکست:

خداوند برای پیروزی شروطی قرار داده که باید رعایت شوند و اسبابی برای شکست تعیین کرده که باید از آنها اجتناب شود. به هر میزانی که شروط پیروزی رعایت و از اسباب شکست دوری شود، به همان میزان به اذن الله پیروزی به دست می‌آید. از مهمترین این شروط می‌تواند به این امور اشاره کرد:

الف) صبر:

(۱) الرد علی المنطقیین: ۳۹۰-۳۹۱

سنت پیروزی، جانشینی و تمکین برای مؤمنان

صبر شامل ایستادگی در میدان جنگ، فرار نکردن، پایداری بر اسلام، جهاد و عدم تغییر است. آیات قرآنی متعددی ارتباط بین صبر و پیروزی را بیان می‌کنند:

○ {إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ} «بیست نفر بردبار از شما

باشند، بر دویست نفر (از کافران) غلبه می‌کنند» [انفال: ۶۵]

○ {فَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ} «پس اگر صد نفر بردبار از شما

باشند؛ بر دویست نفر پیروز می‌شوند» [انفال: ۶۶]

○ {كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ} «چه بسا گروه

کوچکی که به فرمان الله بر گروهی بسیار پیروز شدند و الله با بردباران است»

[البقرة: ۲۴۹]

○ {فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ

الصَّابِرِينَ} «سستی نورزیدند و ناتوان نشدند، و زبونی نشان ندادند (و

تسلیم دشمن نشدند) و الله شکیبایان را دوست دارد» [آل عمران: ۱۴۶]

○ {فَاتَاهُمُ اللَّهُ ثَوَابَ الدُّنْيَا} «پس الله پاداش این دنیا را به آنها عطا کرد» [آل

عمران: ۱۴۸] پاداش این دنیا در واقع پیروزی است.

سنت پیروزی، جانشینی و تمکین برای مؤمنان

○ پیامبر اکرم - صلی الله علیه وسلم - نیز فرمودند: «بدان که پیروزی با صبر است»^۱.

این همه، بیانگر اهمیت صبر برای تحقق پیروزی است؛ بنابراین، مؤمن مجاهد در راه خدا باید همواره این امر را مدنظر داشته باشد، زیرا هیچ پیروزی ای بدون صبر محقق نمی شود.

ب) ایمان:

ایمان شامل یقین و تصدیق است و به میزانی که ایمان و یقین وجود داشته باشد، پیروزی حاصل می شود. امام ابن قیم رحمه الله می گوید: «پیروزی و یاری کامل تنها برای کسانی است که ایمان کامل دارند؛ الله متعال می فرماید: {إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ} «یقیناً ما پیامبران خود و کسانی را که ایمان آورده اند، در زندگی دنیا و روزی که گواهان (برای گواهی) بر خیزند، یاری می کنیم» [غافر: ۵۱] و نیز می فرماید: {فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَىٰ عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ} «ما کسانی را که ایمان آورده بودند بر دشمنان شان قدرت (و توانایی) دادیم و سرانجام پیروز شدند» [الصف: ۱۴]^۲

(۲) مستدرک حاکم: ۶۳۰۴

(۱) إغاثة اللفهان في مصاید الشیطان: ۹۲۶/۲-۹۲۷

سنت پیروزی، جانشینی و تمکین برای مؤمنان

ج) عمل صالح:

خداوند متعال فرموده است: {وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ} «الله به کسانی از شما که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند؛ وعده داده است که قطعاً آن‌ها را در زمین جانشین (و حکمران) خواهد کرد، همان گونه که کسانی را که پیش از آن‌ها بودند جانشین (و حکمران) ساخت، و دین‌شان را که برای آن‌ها پسندیده است برای آن‌ها استوار (و پا برجا) سازد» [النور: ۵۵]

خداوند ایمان و عمل صالح را برای تحقق تمکین در زمین، کنار هم ذکر کرده است.

د) طاعت خدا و رسول:

خداوند مجاهدان را به طاعت از خود و پیامبرش سفارش کرده و ترک این طاعت را سبب شکست می‌داند.

{يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلَحُونَ} (۴۵)

وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ} «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که با گروهی (از دشمنان) روبرو شدید، پایدار (و ثابت قدم) باشید، و الله را بسیار یاد کنید، تا رستگار شوید (۴۵) و الله و پیامبرش را اطاعت کنید» [الأنفال: ۴۵-۴۶]

سنت پیروزی، جانشینی و تمکین برای مؤمنان |

و بیان فرموده که نافرمانی از الله و پیامبرش باعث شکست می‌شود چنانکه در روز احد اتفاق افتاد: {حَتَّىٰ إِذَا فُشِلْتُمْ وَتَنَزَّعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَعَصَيْتُمْ مِّنْ بَعْدِ مَا أَرْأَكُم مَّا تُحِبُّونَ} «تا اینکه سست شدید و در کار (جنگ و جمع‌آوری غنیمت) با یکدیگر به نزاع پرداختید، و بعد از آنکه آنچه را دوست می‌داشتید (از پیروزی بردشمن) به شما نشان داد، نافرمانی کردید» [آل عمران: ۱۵۲]

ه) احسان:

خداوند متعال می‌فرماید: {فَاتَّاهُمُ اللَّهُ ثَوَابَ الدُّنْيَا وَحُسْنَ ثَوَابِ الْآخِرَةِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ}

«پس الله پاداش این دنیا و پاداش نیک آخرت را به آن‌ها عطا کرد، و الله نیکوکاران را دوست دارد» [آل عمران: ۱۴۸]

علامه ابن سعدی رحمه الله در تفسیر این آیه می‌گوید: «احسان در جهاد، عمل کردن مانند کسانی است که در این آیه توصیف شده‌اند»^۱.

و) اتحاد و عدم تفرقه:

قرآن کریم بر ضرورت اتحاد و پرهیز از تفرقه و نزاع تأکید می‌کند: {وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ} «با همدیگر نزاع نکنید، که سست می‌شوید و قوت (و مهابت) شما

(۱) تفسیر سعدی: ۱۵۱

سنت پیروزی، جانشینی و تمکین برای مؤمنان |

از میان می‌رود» [الأنفال: ۴۶] و نیز می‌فرماید: {إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ} «به راستی که الله مؤمنانی را دوست دارد که در راه او و در پی رضایت او تعالی صف در صف کنار یکدیگر چنان که گویی بنایی به هم پیوسته هستند می‌جنگند» [الصف: ۴]

ز) به کار گرفتن اسباب:

خداوند برای هر چیز سببی قرار داده و از بندگان خواسته است که اسباب را فراهم کنند:

{وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِّن قُوَّةٍ وَمِنْ رِّبَاطِ الْخَيْلِ} «و آنچه از نیرو در توان دارید؛ برای (مقابله با) آن‌ها آماده سازید، و (همچنین) از اسبان بسته (ورزیده، مهیا کنید)» [الأنفال: ۶۰]

پیامبر اکرم - صلی الله علیه وسلم - نیز در کنار توکل به خداوند، اسباب مادی پیروزی را به کار می‌بست. این شامل تجهیز نیروها، ترتیب صفوف، انتخاب فرماندهان و دیگر اقدامات نظامی بود. او - صلی الله علیه وسلم - سردار و سرور توکل‌کنندگان بود اما تنها به ایمان و توکل، بدون به کار بستن اسباب اکتفا نکرد.

از جمله اسبابی که در شریعت در نظر گرفته شده و معتبر دانسته شده است، تعداد ارتش مسلمانان است که با کافران می‌جنگند؛ الله متعال می‌فرماید: {الآن حَقَّ

سنت پیروزی، جانشینی و تمکین برای مؤمنان |

اللَّهُ عَنْكُمْ وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا فَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِّثَّةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِثَّتَيْنِ {«اکنون الله به شما تخفیف داد و دانست که در شما ناتوانی است، پس اگر صد نفر بردبار از شما باشند؛ بر دویست نفر پیروز می‌شوند» [الأنفال: ۶۶]}

این آیه محض خبر نیست؛ بلکه مسلمانان را به ثبات و پایداری مکلف می‌کند، به دلیل عبارت: «خَفَّفَ اللَّهُ عَنْكُمْ» (خداوند به شما تخفیف داد). با این حال از ساختار خبری آیه، اهمیت و اعتبار عدد برداشت می‌شود. بنابراین، تحقق این نسبت عددی همراه با ایمان و صبر، احتمال پیروزی را افزایش می‌دهد.

با این وجود، خداوند ممکن است به اندازه ایمان، صبر، پایداری و اتخاذ اسباب ممکن از سوی اصحاب آن، پیروزی را با تعداد بسیار کمتر از این نیز محقق سازد. همان‌طور که در آیه دیگری آمده است: {كَمْ مِّنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ} «چه بسا گروه کوچکی که به فرمان الله بر گروهی بسیار پیروز شدند» [البقرة: ۲۴۹] بنابراین، این نسبت عددی شرط لازم برای پیروزی نیست که بدون آن پیروزی حاصل نشود، بلکه صرفاً احتمال تحقق آن را افزایش می‌دهد.

۳- وقتی اهل ایمانی برای بالا بردن پرچم دین تلاش می‌کنند اما شکست می‌خورند، شکست‌شان گاهی به این دلایل است:

الف) تحقق سنت‌های دیگر:

سنت پیروزی، جانشینی و تمکین برای مؤمنان |

شکست ممکن است به دلیل تحقق سنت‌های دیگری مانند سنت مداوله (گردش روزگار)، سنت ابتلاء (آزمایش) یا سنت تمیز بین پاک و ناپاک رخ دهد. اما در نهایت، عاقبت کار از آن اهل حق خواهد بود.

ب) کوتاهی در رعایت شروط پیروزی:

شکست ممکن است به دلیل تخلف مؤمنان از یکی از شروط پیروزی باشد. مانند اتفاقی که در روز احد افتاد؛ نبردی که با پیروزی آغاز شد اما به دلیل نافرمانی برخی، نتیجه معکوس شد. خداوند متعال می‌فرماید: {وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ إِذْ تَحُسُّونَهُم بِإِذْنِهِ حَتَّى إِذَا فَشِلْتُمْ وَتَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَعَصَيْتُمْ مِّنْ بَعْدِ مَا أَرَاكُمْ مَا تُحِبُّونَ مِّنْكُمْ مَّن يُرِيدُ الدُّنْيَا وَمِنْكُمْ مَّن يُرِيدُ الْآخِرَةَ ثُمَّ صَرَفَكُمْ عَنْهُمْ لِيَبْتَلِيَكُمْ} «و به راستی الله، وعده خود را با شما (در جنگ احد) تحقق بخشید، آنگاه که در (در آغاز جنگ) به فرمان او، آنان را می‌کشتید تا اینکه سست شدید و در کار (جنگ و جمع‌آوری غنیمت) با یکدیگر به نزاع پرداختید و بعد از آنکه آنچه را دوست می‌داشتید (از پیروزی بر دشمن) به شما نشان داد، نافرمانی کردید، بعضی از شما خواهان دنیا بود، و بعضی خواهان آخرت سپس برای آنکه شما را آزمایش کند از (تعقیب) آنان منصرف‌تان کرد، (و پیروزی شما به شکست انجامید) و از (معصیت و تقصیر) شما (که نافرمانی از دستور پیامبر بود)» [آل عمران: ۱۵۲]

ج) اصلاً شکست نیست:

سنت پیروزی، جانشینی و تمکین برای مؤمنان |

برخی مواقع آنچه شکست به نظر می‌رسد، در حقیقت شکست نیست؛ بلکه در چارچوب سنت پیروزی قرار می‌گیرد که تنها به یک شکل محدود نمی‌شود و انواع مختلفی دارد. این موضوع در بخش بعدی توضیح داده خواهد شد.

۴- تنوع و تفاوت در جلوه‌ها و انواع پیروزی

پیروزی دارای جلوه‌ها و انواع مختلفی است و درک کامل سنت پیروزی تنها با شناخت این تفاوت‌ها ممکن می‌شود.

برخی تصور می‌کنند که پیروزی صرفاً به معنای غلبه حسی بر دشمنان است، اما این دیدگاه محدود و نادرستی است. با تأمل در گفته‌های خداوند متعال در قرآن، درمی‌یابیم که پیروزی شکل‌های متعددی دارد. این شکل‌های مهم عبارت‌اند از:

الف) غلبه بر دشمنان و تسلط بر آنان با سلاح:

این یکی از برجسته‌ترین و مهم‌ترین اشکال پیروزی است و نمونه‌های آن در روز بدر و فتح مکه تحقق یافت.

ب) برتری از طریق دلیل و برهان:

نمایاندن کلمه حق و ابطال کلمه باطل نوعی از پیروزی به شمار می‌آید.

ج) نجات از دست دشمنان و رهایی از آسیب آنان:

سنت پیروزی، جانشینی و تمکین برای مؤمنان |

این نیزیکی از اشکال پیروزی است.

(د) ناکام گذاشتن دشمنان در رسیدن به اهدافشان:

تباه کردن تلاش‌ها و نقشه‌های آنان و بازگرداندن شان به حالت شکست خورده از دیگر انواع پیروزی است.

(ه) تحقق وعده راستین الهی پس از کمین‌گیری دشمنان:

برتری کلمه حق و ظاهر ساختن آن.

(و) پیروزی در دعوت:

ورود مردم به دین، حتی اگر همراه با وفات یا شهادت دعوتگر باشد.

(ز) نابودی دشمنان، چه در زمان حیات آنان و چه پس از مرگشان:

این نیز نوعی از پیروزی الهی است.

تحلیل علمای تفسیر درباره آیات پیروزی:

(۱) ابن جوزی درباره آیه: {إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا} «یقیناً ما پیامبران خود و کسانی را که ایمان آورده‌اند، در زندگی دنیا یاری می‌کنیم» [غافر: ۵۱]

وی سه وجه برای این آیه ذکر کرده است:

- اول: پیروزی به وسیله اثبات حجت‌های آنان.

سنت پیروزی، جانشینی و تمکین برای مؤمنان

- دوم: نابودی دشمنان شان.

- سوم: اینکه عاقبت برای آنان خواهد بود.

ابن جوزی در توضیح بیشتر می گوید: «پیروزی آنان امری مسلم و قطعی است. گاهی به صورت برتری آشکار مانند آنچه به داود و سلیمان علیهما السلام عطا شد که با قدرت سلطنت شان بر تمامی کفار غلبه یافتند و نیز مانند برتری محمد - صلی الله علیه وسلم - بر تکذیب کنندگانش. گاهی نیز به صورت انتقام از تکذیب کنندگان با نجات پیامبران و هلاکت دشمنان شان، همان گونه که برای نوح و قوش یا موسی و قوش اتفاق افتاد. همچنین گاهی انتقام پس از وفات پیامبران رخ می دهد، مانند سلطه بختنصر بر قاتلان یحیی بن زکریا علیهما السلام»^۱

(ب) توضیحات شیخ شنقیطی رحمه الله درباره آیات پیروزی:

وی توضیح می دهد که آیات قرآن تصریح دارند پیامبرانی که در جنگ شرکت کردند، مغلوب نخواهند شد و همیشه غالب اند.

وی با استناد به آیه: {كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي} «الله مقرر داشته است که یقیناً من و رسولانم پیروز می شویم» [المجادلة: ۲۱] و نیز آیه قبل از آن: {وَأُولَئِكَ فِي الْأَذَلِّينَ} «آن ها در زمره خوارترین (افراد) اند» [المجادلة: ۲۰] و آیه پس از آن: {إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ}

(۱) زاد المسیر فی علم التفسیر: ۴/۴۱

سنت پیروزی، جانشینی و تمکین برای مؤمنان

«بی‌گمان الله نیرومند شکست ناپذیر است» [المجادلة: ۲۱] می‌گوید که بیشتر معانی غلبه در قرآن مربوط به غلبه با سلاح است، مانند:

{إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ} «بیست نفر بردبار از شما باشند، بر دویست نفر (از کافران) غلبه می‌کنند» [انفال: ۶۵]

{فَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ} «پس اگر صد نفر بردبار از شما باشند؛ بر دویست نفر پیروز می‌شوند» [انفال: ۶۶]

{الم (۱) غَلَبَتِ الرُّومُ (۲) فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِّنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ (۳) فِي بَعْضِ سِنِينَ لِلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَمِنْ بَعْدُ وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ} «الم (الف لام میم) (۱) رومیان مغلوب شدند (۲) در نزدیکترین سرزمین، و آن‌ها بعد از مغلوب شدن‌شان به زودی غالب خواهند شد (۳) در (ظرف) چند سال؛ پیش از (این پیروزی) و بعد از این (پیروزی) فرمان از آن الله است، و در آن روز مؤمنان شادمان خواهند شد» [الروم: ۱-۴]

{كَمْ مِّنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ} «چه بسا گروه کوچکی که به فرمان الله بر گروهی بسیار پیروز شدند» [البقرة: ۲۴۹]

{قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا سِتٌّ لَّهُمْ} «به کسانی که کافر شدند بگو: به زودی مغلوب خواهید شد» [آل عمران: ۱۲] و دیگر آیات.

سنت پیروزی، جانشینی و تمکین برای مؤمنان

الله متعال بیان کرده که آنکه کشته می‌شود، نوع مقابل غالب است:

{وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ} «و آن کسی که در راه الله پیکار کند، چه کشته شود یا پیروز گردد..» [النساء: ۷۴] از این آیات دانسته شد که پیغمبران در حال نبرد کشته نمی‌شوند چون الله متعال از ازل نوشته بوده که پیروز هستند و نیز خود او تعالی به صراحت بیان کرده است که آنکه کشته می‌شود، پیروز نیست.

همچنین علما بیان کرده‌اند که غالب شدن پیغمبران به دو صورت است:

۱. غلبه با بیان دلایل حق و واضح. این برای همه پیامبران ثابت است.

۲. غلبه با اسلحه که تنها برای آن عده از پیامبران ثابت است که فرمان جهاد یافتند و آنکه به جهاد فرمان نیافته باشد، نه پیروز است و نه شکست خورده! چون نبردی نبوده که پیروزی یا شکستی رخ دهد. و اینکه الله متعال با صراحت بیان فرموده که پیامبران غالب‌اند؛ در مورد کسانی است که با شمشیر می‌جنگند با پیروزی آنان در این میدان صدق می‌یابد و آنانی که به جهاد فرمان نیافتند، پیروزی شان در بیان دلایل قوی و درست صدق می‌یابد.

۱. غلبه با حجت و بیان: این نوع غلبه برای تمامی پیامبران ثابت است.

سنت پیروزی، جانشینی و تمکین برای مؤمنان |

۲. غلبه با شمشیر و نیزه: این نوع غلبه برای کسانی از پیامبران ثابت است که به جنگ در راه خدا مأمور شده‌اند؛ زیرا پیامبری که به جنگ مأمور نشده است، نه غالب است و نه مغلوب؛ چراکه در چیزی به مبارزه وارد نشده است.

تصریح خداوند به این که «نوشته است که پیامبران غالب خواهند بود»، شامل غلبه‌ی آنان بر دشمنانشان با شمشیر نیز می‌شود؛ همان‌گونه که بیان کردیم که این همان معنای غلبه در قرآن است. همچنین، این عبارت شامل غلبه‌ی آنان با حجت و بیان نیز می‌شود. بنابراین، این آیه نشان می‌دهد که نصرت پیامبران که در آیات زیر ذکر شده است: {إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا} «یقیناً ما پیامبران خود را یاری می‌کنیم» [غافر: ۵۱] و {وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ (۱۷۱) إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ} «و به راستی وعده ما برای بندگان فرستاده ما از پیش صادر شده است (۱۷۱) که هر آینه آن‌ها یاری شدگانند» [الصافات: ۱۷۱-۱۷۲] نصرتی است که به معنای غلبه با شمشیر برای کسانی از پیامبران است که به جهاد مأمور شده‌اند؛ زیرا غلبه‌ای که خداوند بیان کرده است که برای آنان مقرر داشته، خاص‌تر از نصرت مطلق است. این نصرت، نصرتی ویژه است؛ چراکه غلبه در زبان به معنای پیروزی و چیرگی است و نصرت در زبان به معنای یاری مظلوم است. بنابراین، لازم است این مفهوم عام با آن مفهوم خاص تبیین شود.^۱

(۱) اضواء البیان (جلد ۱، صفحه ۳۴۲ و پس از آن - به اختصار):

نویسنده در ادامه این بحث می‌گوید: از آنچه امام بزرگ، ابن جریر، و پیروان او در تفسیر آیه «إنا لننصر» بیان کرده‌اند، که مانعی برای کشته شدن پیامبر مأمور به جهاد وجود ندارد و اینکه نصرت بیان شده در آیه در چنین حالتی به دو شکل تفسیر می‌شود:

۱. خداوند پس از مرگ پیامبر او را یاری می‌کند، به گونه‌ای که از کسانی که او را کشته‌اند انتقام می‌گیرد، همان گونه که با کسانی که یحیی، زکریا و شعیا را به قتل رساندند رفتار کرد و بخت النصر را بر آنان مسلط ساخت و نمونه‌هایی از این قبیل.

۲. حمل واژه «رسل» در آیه «إنا لننصر رسلنا» به معنای اختصاص آن به محمد رسول الله - صلی الله علیه وسلم - به تنهایی. و این تفسیر به دو دلیل نادرست است:

۱. این نوع تفسیر، خروج از معنای ظاهری و متبادر قرآن بدون دلیل از کتاب، سنت یا اجماع است. همچنین، اینکه مقتول در میان دو گروه درگیر، منصور تلقی شود، بسیار بعید و در زبان عربی غیر معروف است. بنابراین، حمل قرآن بر این معنا خطایی آشکار است. همچنین، اختصاص واژه «رسل / پیامبران» به پیامبر اکرم - صلی الله علیه وسلم - به تنهایی نیز بسیار دور از ذهن است. آیات متعددی وجود دارد که به وعده نصرت عمومی برای همه پیامبران دلالت دارد و در این موضوع اختلافی نیست.

۲. خداوند در کتاب خود تنها به نصرت مطلق، که در زبان به معنای یاری مظلوم است، اکتفا نکرده، بلکه صریحاً این نصرت را به عنوان نصرت غلبه معرفی کرده است. همان گونه که در آیه: «كتب الله لأغلبن أنا ورسلي» آمده است. معنای «غلبه» در قرآن این است که خداوند مقتول را در مقابل غالب قرار داده است، همان گونه که در آیه: «ومن یقاتل فی سبیل الله فیقتل أو یغلب» بیان شده است. همچنین، خداوند تصریح کرده است که وعده‌ای که به پیامبران خود داده

سنت پیروزی، جانشینی و تمکین برای مؤمنان

ج) ابن عطیه رحمه الله در تفسیر آیه {وَيَوْمَئِذٍ يُفْرِحُ الْمُؤْمِنُونَ (۴) بِنَصْرِ اللَّهِ} «و در آن روز مؤمنان شادمان خواهند شد (۴) به (سبب) یاری الله» [الروم: ۴-۵] می گوید: و ممکن است این آیه به شادی مسلمانان به سبب یاری خداوند اشاره داشته باشد،

است قابل تغییر نیست، همان گونه که در آیه: «ولقد كذبت رسل من قبلك فصبروا على ما كذبوا وأوذوا حتى أتاهم نصرنا ولا مبدل لكلمات الله» [الأنعام: ۳۴] آمده است.

شکی نیست که عبارت «كتب الله لأغلبن أنا ورسلي» از کلمات خداوند است که تغییرناپذیری آن تصریح شده است. خداوند به صراحت نفی کرده است که منصور مغلوب باشد، همان گونه که در آیه: «إن ينصركم الله فلا غالب لكم» [آل عمران: ۱۶۰] بیان کرده است.

مقاتل ذکر کرده است که سبب نزول آیه: «كتب الله لأغلبن» [المجادلة: ۲۱] این بود که برخی از مردم گفتند: آیا محمد و یارانش گمان می کنند که می توانند روم و فارس را همان گونه که بر عرب ها غلبه کردند، شکست دهند؟ و ادعا می کردند که روم و فارس به دلیل تعداد و قدرتشان توسط پیامبر اکرم - صلی الله علیه وسلم - مغلوب نشده و شکست نمی خورند. در این هنگام، خداوند این آیه را نازل کرد. این آیه دلالت دارد که غلبه ذکر شده در آن، غلبه با شمشیر و نیزه است، زیرا نمی توان از دلیل نزول آیه چشم پوشی کرد. همچنین، عبارت های قبل از آن، مانند: «أولئك في الأذلين» [المجادلة: ۲۰] و عبارت های پس از آن، مانند: «إن الله قوي عزيز»، این موضوع را تأیید می کنند.

سنت پیروزی، جانشینی و تمکین برای مؤمنان

زیرا خداوند وعده پیامبرشان - صلی الله علیه و آله وسلم - را در این که رومیان بر فارس غلبه خواهند کرد، تحقق بخشید. این خود نوعی پیروزی بزرگ است.^۱

(د) ابن تیمیه رحمه الله در تفسیر آیه: {وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ (۱۷۱) إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ} «و به راستی وعده ما برای بندگان فرستاده ما از پیش صادر شده است (۱۷۱) که هر آینه آن‌ها یاری شدگانند» [الصافات: ۱۷۱-۱۷۲] گفته است: این آیه برای برخی از مردم سوال برانگیز است که می‌پرسند: چگونه ممکن است پیامبران پیروز باشند در حالی که برخی از آنها کشته شده‌اند؟ در پاسخ باید گفت: اگر کشته شدن پیامبران به گونه‌ای باشد که موجب عزت دین و اهل آن شود، این خود از کمال پیروزی است. زیرا مرگ، امری ناگزیر است و اگر مرگی باشد که سبب سعادت فرد در آخرت شود، این نهایت پیروزی است.

به عنوان مثال، پیامبر ما صلی الله علیه و آله وسلم را در نظر بگیرید: برخی از یاران او به شهادت رسیدند و به بزرگ‌ترین کرامت دست یافتند و کسانی که باقی ماندند، با عزت و پیروزی زندگی کردند. صحابه نیز به کفار می‌گفتند: پیامبر ما خبر داده که هر کس از ما کشته شود به بهشت می‌رود و هر کس زنده بماند بر شما پیروز خواهد شد.

(۱) المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز: ۳۲۸/۴-۳۲۹

سنت پیروزی، جانشینی و تمکین برای مؤمنان

بنابراین، اگر کسی در این مسیر کشته شود، این کشتن بخشی از پیروزی او و پیروزی همراهانش است. از همین باب، می‌توان داستان آن غلام را که در حدیث مسلم آمده مثال زد: او دین راهب را پذیرفت و دین ساحر را رها کرد. دشمنان چندین بار قصد کشتن او را داشتند ولی موفق نشدند، تا این که او به آنان آموخت که تنها در صورتی می‌توانند او را بکشند که پادشاه بگوید: «بسم الله رب الغلام» و سپس او را با تیری بزنند. وقتی غلام کشته شد، تمام مردم ایمان آوردند و این به نفع دین او بود.

به همین دلیل، هنگامی که عمر بن خطاب رضی الله عنه میان مسلمانان شهید شد، قاتلش کشته شد. عثمان رضی الله عنه نیز زمانی که شهید شد، قاتلانش کشته شدند و یارانش پیروز شدند. همچنین، علی بن ابی طالب رضی الله عنه زمانی که خوارج او را به قتل رساندند و این کار را حلال دانستند، از سوی خداوند و پیامبر دستور کشتن آن‌ها آمده بود و در نهایت از طرف اهل سنت و جماعت شکست خوردند.

کشته شدن پیامبران و یاران آنان، نه تنها مانعی برای اسلام و اهل آن نیست، بلکه در اغلب موارد خداوند از کسانی که پیامبران را کشته‌اند انتقام می‌گیرد، تا جایی که

سنت پیروزی، جانشینی و تمکین برای مؤمنان |

گفته شده است به سبب خونخواهی یحیی بن زکریا علیهما السلام هفتاد هزار نفر کشته شدند!

۵. سنت پیروزی باید پس از سنت آزمایش باشد

پیروزی در نقشه سنت‌های الهی مرحله‌ای دیرتر قرار دارد و پیش از آن باید زمان بگذرد. اگر کسی در آیات قرآن تأمل کند، درمی‌یابد که پیروزی در ابتدا نمی‌آید. همان‌طور که خداوند می‌فرماید:

{حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْأَسَ الرُّسُلُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا} «تا آنگاه که پیامبران (از قوم‌شان) نا امید شدند، و (مردم) پنداشتند که به آن‌ها دروغ گفته شده است، (در این هنگام) یاری ما به سراغ‌شان آمد» [یوسف: ۱۱۰]

و نیز می‌فرماید: {حَتَّىٰ يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَىٰ نَصْرُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ} «تا که پیامبر و کسانی که با او ایمان آورده بودند، گفتند: یاری الله کی خواهد بود؟ آگاه باشید که یاری الله نزدیک است» [البقرة: ۲۱۴] در حدیث هرقل نیز آمده است: «پیامبران ابتدا آزمایش می‌شوند و سپس عاقبت کار به نفع آنها خواهد بود.»^۲

۶. زمان‌بندی پیروزی مطابق معیار الهی است

(۲) اختیارات شیخ الإسلام ابن تیمیة: المسألة: ۱۳۲ لابن عبد الهادی.

(۱) صحیح البخاری: ۴۵۵۳

سنت پیروزی، جانشینی و تمکین برای مؤمنان |

معیار زمان پیروزی به میزان الهی مربوط است نه به میزان بشری. به همین دلیل است که انسان‌ها پیروزی را دیر می‌پندارند و خواهان تعجیل آن هستند. اما نزد خداوند، پیروزی نزدیک است، حتی اگر به نظر آنان دیر برسد. خداوند می‌فرماید: {حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصْرُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ} «تا که پیامبر و کسانی که با او ایمان آورده بودند، گفتند: یاری الله کی خواهد بود؟ آگاه باشید که یاری الله نزدیک است» [البقرة: ۲۱۴]

۷. تفاوت بین پیروزی جزئی مرحله‌ای و پیروزی کامل و همه‌جانبه

میان پیروزی جزئی که در مراحل مختلف رخ می‌دهد و پیروزی کامل و نهایی، تفاوت‌هایی وجود دارد و هرکدام از این دو زمینه‌ها و ملاحظات خاص خود را دارند. برای مثال، پیروزی‌ای که خداوند در روز بدر برای مؤمنان رقم زد، با پیروزی فتح مکه تفاوت داشت. پیروزی بدر اگرچه بزرگ بود، اما پس از آن شکست‌ها و مصیبت‌هایی رخ داد، مانند حادثه بئر معونه و جنگ احد. در این دوره، جنگ به صورت متناوب ادامه داشت و مشرکان پس از بدر همچنان به مدینه حمله می‌کردند.

اما فتح مکه از نوع دیگری بود؛ این فتح، پیروزی‌ای همراه با استقرار و تسلط بود. پس از آن، مردم به صورت گروه‌گروه به دین خدا وارد شدند و سران قریش و رهبران جنگی آنان در برابر پیامبر خدا - صلی الله علیه وسلم - تسلیم شدند.

سنت پیروزی، جانشینی و تمکین برای مؤمنان |

نتیجه‌ای که از این بحث گرفته می‌شود این است که مؤمن نباید قبل از موعد، انتظار پیروزی کامل و همراه با استقرار را داشته باشد، و نباید تصور کند که پیروزی‌های جزئی نمی‌توانند با شکست‌ها یا خسارت‌هایی همراه شوند.

۸. جانشینی و تسلط بر زمین مشروط به پایبندی به شروط آن است

جانشینی و تمکن در زمین تضمینی برای استمرار ندارد، مگر به اندازه‌ای که افراد به شروط تمکن پایبند باشند. خداوند در آیه تمکین از سوره نور می‌فرماید: {وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ} «و کسانی که بعد از این کافر شوند، اینانند که فاسقند» [النور: ۵۵]

ابن عاشور درباره این آیه می‌گوید: «این آیه پس از بشارت هشدار است و اصلاً این روش قرآن است که همواره بشارت را با هشدار و هشدار را با بشارت همراه می‌کند، هشدار می‌دهد تا افراد دچار غرور نشده و به خود تکیه نکنند.»^۱

ابن کثیر نیز در تفسیر این آیه می‌گوید: «صحابه پیامبر - صلی الله علیه وسلم - چون بیش از همه مردم به اوامر الهی پایبند بودند و فرمان‌بردارترین آنان از خداوند بودند، خداوند نصرت خود را به اندازه پایبندی آنان عطا کرد و کلمه الله را در شرق و غرب عالم منتشر ساخت. خداوند به آنان یاری بزرگی عطا کرد و آنان بر تمام مردم و

(۲) التحریر والتنویز: ۲۸۸/۱۸

سنت پیروزی، جانشینی و تمکین برای مؤمنان

سرزمین‌ها تسلط یافتند. اما پس از آن که مردم بعد از ایشان در انجام برخی از اوامر الهی کوتاهی کردند، پیروزی و تسلط آنان نیز به همان اندازه کاهش یافت.^۱

ابن سعدی نیز در تفسیر این آیه می‌گوید: «وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ: یعنی آنانی که پس از تمکین و تسلط مسلمانان کافر شدند، ای مسلمانان، «فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»: کسانی‌اند که از طاعت خدا خارج شده‌اند و به فساد روی آورده‌اند. آنان نه صلاحیتی برای صلاح دارند و نه توانایی انجام خیر را، زیرا کسی که در حالت عزت و قدرت و در نبود موانع، ایمان را ترک می‌کند، نشان می‌دهد که نیت او فاسد و سرشت او آلوده است، چراکه دلیلی برای ترک دین ندارد مگر همین فساد باطنی.»^۲

سه: دلایل این سنت از وحی و بیان معنای این دلایل و تبیین

سخنان مفسران درباره آن‌ها

پس از بیان ضوابط روش‌شناسی مربوط به سنت نصرت، به مجموعه‌ای از آیات مرتبط با این سنت می‌پردازیم و آنچه در این ضوابط مطرح شده است را با انتخاب بهترین تبیین‌ها از مفسران در این باره در نظر می‌گیریم. با آیات مربوط به سنت

(۲) تفسیر ابن کثیر: ۷۴/۶

(۱) تفسیر السعدی: ۵۷۳

سنت پیروزی، جانشینی و تمکین برای مؤمنان

نصرت آغاز کرده، سپس آیات مربوط به سنت تمکین و استخلاف را ذکر می‌کنم. به شرح زیر:

بخش اول: دلایل سنت نصرت (پیروزی):

۱- {إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا} «یقیناً ما پیامبران خود و کسانی را که ایمان آورده‌اند، در زندگی دنیا یاری می‌کنیم» [غافر: ۵۱] این آیه تصریح محکمی به نصرت خداوند در دنیا برای پیامبران و کسانی که ایمان آورده‌اند دارد. سبک عمومی آیه که به فعل خداوند مربوط می‌شود، نشان می‌دهد که این یک سنت مستمر است. این مطلب را آیات دیگر که خداوند در مورد سنت نصرت ذکر کرده است، تایید می‌کنند.

اما این اطلاق‌ها ممکن است برای کسانی که حقیقت سنت‌های الهی را درک نکرده‌اند، دشوار باشد، به ویژه هنگامی که مشکلات و آزمایش‌های مؤمنان را مشاهده می‌کنند و تأخیر در نصرت آنها را در دنیا می‌بینند. امام طبری رحمه الله در توضیح این اشکال و پاسخ به آن می‌گوید: «ممکن است کسی بپرسد: معنای {إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا} چیست؟ حال آنکه می‌دانیم برخی از آنها به دست دشمنانشان کشته شدند و بدنشان مثله شد، مانند اشیاء و یحیی بن زکریا علیهم السلام و مانند آنها. برخی دیگر در معرض تهدید به قتل توسط قوم خود قرار گرفتند و بهترین وضعیت آنها این بود که جانشان را نجات دادند و از

سنت پیروزی، جانشینی و تمکین برای مؤمنان

سرزمین قوم خود مهاجرت کردند، مانند ابراهیم علیه السلام که از سرزمین خود به شام مهاجرت کرد و از قوم خود جدا شد و عیسی علیه السلام که وقتی قومش خواستند او را بکشند به آسمان بالا برده شد. پس کجاست نصرتی که خداوند گفته است که به پیامبران و مؤمنانش در زندگی دنیا می‌دهد، در حالی که این پیامبران از قوم خود ظلم و اذیت دیدند، و چگونه بر دشمنانشان پیروز شدند؟»

پاسخ داده می‌شود که برای جمله {إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ ءَامَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا} دو وجه صحیح وجود دارد:

یک: یکی از این معانی این است که: خداوند پیامبران و مؤمنان را در دنیا پیروز می‌کند؛ حالا این پیروزی یا با برتری دادن آنها بر کسانی که آنها را تکذیب کرده‌اند و پیروزی دادن به آنها به گونه‌ای که دشمنانشان را مغلوب کنند و آنها را به ذلت درآورند، مانند کاری که با داوود و سلیمان علیهما السلام انجام داد و به آنها سلطنت و قدرتی داد که به وسیله آن هر کافری را شکست دادند، یا مانند کاری که با پیامبر اسلام - صلی الله علیه وسلم - انجام داد و او را بر کسانی که او را تکذیب کرده بودند، غالب کرد، یا با انتقام گرفتن از کسانی که با پیامبران و مؤمنانشان دشمنی کرده‌اند، مانند کاری که خداوند با نوح علیه السلام و قومش انجام داد، با غرق کردن قومش و نجات دادن نوح، و مانند کاری که با موسی صلی الله علیه وسلم و فرعون انجام داد، هنگامی که خداوند فرعون و قومش را غرق کرد و موسی و کسانی که به او

سنت پیروزی، جانشینی و تمکین برای مؤمنان

ایمان آوردند از بنی اسرائیل و دیگران را نجات داد. یا اینکه در زندگی دنیا از کسانی که پیامبران و مؤمنانشان را تکذیب کرده‌اند انتقام می‌گیرد، مانند کاری که پس از مرگ اشیاء انجام داد و به وسیله کسانی که بر آنان مسلط ساخت، از قاتلان او انتقام گرفت، یا مانند کاری که با قاتلان یحیی علیه السلام کرد که بخت نصر را بر آنها مسلط کرد و از طریق او انتقام گرفت، یا مانند پیروزی‌ای که برای عیسی علیه السلام در برابر کسانی که خواستند او را بکشند در روم فراهم آورد، تا اینکه آنها را با دست خودشان نابود ساخت. این یکی از دو معنای صحیح است.

دو: وجه دیگر این است که این سخن به صورت خبری از همه پیامبران و مؤمنان آمده است و مراد یکی است. در این صورت، تأویل این سخن چنین خواهد بود: «ما قطعاً پیامبر خود محمد - صلی الله علیه وسلم - و کسانی که به او ایمان آوردند را در دنیا و روز قیامت یاری خواهیم کرد»، همان‌طور که پیش‌تر بیان کردیم که عرب‌ها گاهی خبری را با لفظ جمع می‌آورند، در حالی که مراد از آن فردی واحد است، چنان‌که در صورت نبود شخص خاصی برای خبری، این روش معمول است¹.

ابن عطیه رحمه الله گفت: «خداوند به ما خبر داده که پیامبران و مؤمنان را در دنیا و آخرت یاری خواهد کرد. برخی از مفسران گفته‌اند: این خاص کسانی است که خداوند آنان را بر امتشان پیروز کرده، مانند نوح، موسی و محمد - صلی الله علیه

(1) تفسیر الطبری: ۳۴۴/۲۰-۳۴۵ با اختصار

سنت پیروزی، جانشینی و تمکین برای مؤمنان

وسلم - و عمومیت ندارد، زیرا در میان پیامبران کسانی هستند که قومشان آنان را کشتند، مانند یحیی علیه السلام و در این حالت نصرتی برای آنها صورت نگرفته است».

سدی گفته است: «خبر به طور عمومی است و نصرت پیامبران حتماً انجام خواهد شد، چه در زمان حیات پیامبرانی مانند نوح و موسی علیهما السلام و چه پس از مرگ آنها. آیا نمی‌بینی که خداوند چه کرد وقتی که بنی اسرائیل یحیی علیه السلام را کشتند؟ او بخت نصر را بر آنها مسلط کرد تا از این طریق به یحیی نصرت دهد. نصرت مؤمنان نیز در حقیقت در نصرت پیامبران گنجانده شده است. همچنین خداوند برای مؤمنان فضلهایی قرار داده و به آنها زمانی که مورد ظلم قرار گرفته‌اند نصرتی داده است و شریعت نیز آنها را به یاری کردن دعوت کرده است¹.

علامه بقاعی گفته است: «و در زندگی دنیا، به این معنا که خداوند برای آنها راه هدایت را مشخص کرده که برای هر پیروزی کافی است، به وسیله دلایل و غلبه، و حتی اگر در برخی مواقع مغلوب شوند، در نهایت پیروزی از آن آنها خواهد بود، حتی اگر خداوند برای دشمنانشان کسانی را قرار دهد تا از آنها انتقام بگیرند، ولو پس از

(2) المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز: ۵۶۴/۴

سنت پیروزی، جانشینی و تمکین برای مؤمنان

مدتی. و حداقل این است که دشمنان آنها هیچ‌گاه قادر به دستیابی به تمام خواسته‌های خود از آنها نباشند»!

۲. خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: {كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ} «الله مقرر داشته است که یقیناً من و رسولانم پیروز می‌شویم؛ بی‌گمان الله نیرومند شکست ناپذیر است» [المجادلة: ۲۱]

ابن جوزی در تفسیر این آیه گفته است: مقصود از «كَتَبَ اللَّهُ» این است که خداوند مقرر کرده است که من و پیامبرانم پیروز خواهیم شد. مفسران گفته‌اند: پیامبرانی که به جنگ مأمور شده‌اند، سرانجام به پیروزی می‌رسند و پیامبرانی که به جنگ مأمور نشده‌اند، با دلیل و برهان غالب خواهند بود. «إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ» یعنی خداوند یاران خود را از ذلت محافظت می‌کند.^۲ ابن عطیه از حسن نقل کرده است که هیچ‌گاه خداوند پیامبری را به جنگ امر نکرد، مگر اینکه او را با قدرت و عزت خویش یاری کرده و پیروز ساخته است، چراکه پروردگاری جز او نیست. و دیگر مفسران گفته‌اند: پیامبرانی که مأمور به جنگ نبوده‌اند، با دلیل و حجت غالب هستند.^۳

(۲) تفسیر البقاعي: ۸۷/۱۷

(۳) زاد المسیر فی علم التفسیر: ۲۵۱/۴ با اندکی اختصار

(۱) المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز: ۲۸۱/۵

سنت پیروزی، جانشینی و تمکین برای مؤمنان

۳. خداوند می‌فرماید: {وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاؤُوهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَاَنْتَقَمْنَا مِنَ الَّذِينَ أَجْرَمُوا وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ} «و به راستی پیش از تو پیامبرانی را به سوی قوم‌شان فرستادیم، پس با دلایل روشن نزدشان آمدند، آنگاه از کسانی که گناه کردند، انتقام گرفتیم، (و مؤمنان را یاری دادیم) و یاری دادن مؤمنان بر (عهده) ما بود» [الروم: ۴۷]. این آیه به وضوح نشان می‌دهد که یاری مؤمنان سنتی تغییرناپذیر است، زیرا خداوند فرموده است: «وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا».

مفسران این آیه را به نجات مؤمنان از دشمنانشان تفسیر کرده‌اند، زیرا این یکی از معانی یاری است. شاید به دلیل سیاق آیه این را به پیروزی تفسیر کرده‌اند والله اعلم. مقاتل در تفسیر این آیه گفته است: «نصرت مؤمنان این بود که خداوند آنان را همراه با پیامبران از عذاب نجات داد».^۱

طبری می‌گوید: خداوند می‌گوید: وقتی عذاب ما رسید، آنانی که به الله و پیغمبرش ایمان آورده بودند را از عذاب نجات دادیم و این گونه با تو ای پیامبر و مؤمنان همراه تو رفتار خواهیم کرد. بر عهده ماست که مومنان را بر کافران پیروز کنیم و ما تو و مومنان همراه تو را نیز پیروز می‌کنیم بر کافران.^۲

(۲) تفسیر مقاتل بن سلیمان: ۴۱۸/۳

(۳) تفسیر الطبری: ۵۱۹/۱۸

سنت پیروزی، جانشینی و تمکین برای مؤمنان

ابن جوزی نیز گفته است: «وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا» یعنی خداوند بر خود واجب کرده است که مؤمنان را همراه پیامبران از عذاب تکذیب‌کنندگان نجات دهد.^۱

واحدی نیز گفته است: حسن بصری این آیه را اینطور تفسیر کرده که نجات مؤمنان به معنای رهایی آنان همراه با پیامبران از عذاب امت‌ها بوده است، و این هم

نین نظر کلبی و مقاتل است.^۲

۴. خداوند می‌فرماید: {وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ (۱۷۱) إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ} «و به راستی وعده ما برای بندگان فرستاده ما از پیش صادر شده است (۱۷۱) که هر آینه آن‌ها یاری شدگانند» [الصافات: ۱۷۱-۱۷۲] گروهی از مفسران این آیه را به پیروزی با دلیل و برهان تفسیر کرده‌اند.

طبری گفته است: خداوند در این آیه می‌فرماید: «پیش‌تر از ما وعده‌ای برای پیامبران صادر شده که آنان پیروز خواهند بود» و این حکم و قضای الهی در ام‌الکتاب به ثبت رسیده است و مقصود از آن، پیروزی و غلبه با دلیل و حجت است.^۳

(۲) زاد المسیر فی علم التفسیر: ۴۲۶/۳

(۳) التفسیر البسیط: ۷۶/۱۸

(۴) تفسیر الطبری: ۶۵۷/۱۹

سنت پیروزی، جانشینی و تمکین برای مؤمنان

ابن جوزی نیز گفته است: «سَبَقْتُ كَلِمَتَنَا» یعنی وعده ما برای یاری پیامبران از پیش داده شده است. این وعده همان است که خداوند فرموده: «كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي»، «إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنصُورُونَ» با دلیل پیروزمندند.^۱

حسن بصری نیز درباره این آیه گفته است که هیچ‌یک از پیامبران صاحب شریعت هرگز کشته نشده‌اند.^۲

۵. خداوند متعال می‌فرماید: {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ} «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر (دین) الله را یاری کنید، (الله) شما را یاری می‌کند و گام‌هایتان را (ثابت و) استوار می‌دارد» [محمد: ۷] و در آیه دیگری می‌فرماید: {الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَّهُدَمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ} «(همان) کسانی که به ناحق از دیارشان رانده شدند؛ جز اینکه می‌گفتند: پروردگار ما الله است و اگر الله بعضی از مردم را به (وسیله) بعضی دیگر دفع نمی‌کرد، بی‌گمان دیرهای (راهبان) و کلیساهای (مسیحیان) و کنشت‌های (یهودیان) و مساجدی که نام الله در آن‌ها بسیار برده

(۲) زاد المسیر فی علم التفسیر: ۵۵۵/۳

(۱) تفسیر یحیی بن سلام: ۸۴۸/۲

سنت پیروزی، جانشینی و تمکین برای مؤمنان

می‌شود؛ ویران می‌گردید، و مسلماً الله یاری می‌کند کسی که (دین) او را یاری دهد،
بی‌گمان الله قوی پیروزمند است» [الحج: ۴۰]

این دو آیه در بیان اصول و شرایط پیروزی الهی هستند. پیروزی از سوی خداوند قطعاً
نصیب کسانی می‌شود که به یاری خداوند بپردازند. علما معانی مختلفی از «نصرت
خداوند» ارائه کرده‌اند. در آیه اول، ماوردی گفته است: در آیه «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ
يَنْصُرْكُمْ» دو معنا وجود دارد: یکی اینکه اگر دین خدا را یاری کنید، خداوند شما را
یاری می‌کند؛ و دیگر اینکه اگر پیامبر خدا را یاری کنید، خداوند شما را یاری می‌کند.
قطرب نیز این نظر را بیان کرده است.^۱

شنقیطی رحمه الله می‌گوید: «نصرت خداوند» یعنی یاری دادن دین خدا و کتاب
خدا، تلاش و جهاد برای اینکه سخن خداوند برتر باشد و حدوده در زمین برپا گردد و
فرمان‌های خداوند اجرا و نواهی‌اش اجتناب شود و در میان مردم حکم بر طبق آنچه
بر پیامبرش نازل کرده است، صادر گردد.^۲

بقاعی رحمه الله نیز گفته است که منظور از «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ» این است که نیت
مستمر و عمل دائم دریاری دین خدا داشته باشید، با توضیح دلایل دین، تبیین آن و

(۲) تفسیر الماوردی: ۲۹۵/۵

(۳) تفسیر الشنقیطی: ۴۵۲/۷

سنت پیروزی، جانشینی و تمکین برای مؤمنان

دفع شبهات اهل باطل، و جنگیدن با آنان. این عمل باید خالصانه برای خداوند باشد، نه برای نیت‌های فاسدی چون طلب دنیا یا شهرت به شجاعت و علم و یا خشم به خاطر خانواده.^۱

اما در آیه دوم، که در آن آمده است: «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ»، منظور از «نصرت خداوند»، جهاد در راه خداوند است. طبری گفته است: خداوند می‌فرماید: «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ» یعنی خداوند قطعاً کسانی را که در راه او می‌جنگند، یاری خواهد کرد تا کلمه‌اش بر دشمنانش غالب شود؛ پس نصرت خداوند یعنی یاری کردن بندگان، و نصرت بندگان خدا یعنی جهاد در راه خداوند تا کلمه‌اش برتر شود.^۲

ابن عاشور نیز گفته است: «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ» به این معناست که خداوند به مسلمانان دستور داده است تا از دین خود دفاع کنند و برای این دفاع به آنان وعده پیروزی داده است، زیرا آنان با دفاع خود از دین خداوند، آن را یاری می‌کنند و این‌گونه انگار که آنها خداوند را یاری کرده‌اند.^۳

(۲) تفسیر البقاعي: ۲۰۹/۱۸

(۳) تفسیر الطبري: ۵۸۷/۱۶

(۱) التحرير والتنوير: ۲۷۹/۱۷

سنت پیروزی، جانشینی و تمکین برای مؤمنان

۶. الله متعال می‌فرماید: {أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسْتَهْزِئِينَ وَالصَّالِحِينَ يَنْفِخُ فِي الصُّورِ وَزُلْزِلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصُرَ اللَّهُ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ} «آیا گمان کرده‌اید که داخل بهشت می‌شوید و حال آنکه هنوز بر (سر) شما نیامده است، مانند آنچه که بر (سر) پیشینیان شما آمد؟ سختی و زیان به آن‌ها رسید، و (آنچنان) تکان خوردند تا که پیامبر و کسانی که با او ایمان آورده بودند، گفتند: یاری الله کی خواهد بود؟ آگاه باشید که یاری الله نزدیک است» [البقرة: ۲۱۴]

این آیه یکی از آیات مهمی است که به ویژگی‌های سنت نصر الهی اشاره دارد. پیروزی از سوی خداوند تنها پس از آزمایش‌ها و بلاهایی می‌آید و در زمان معینی تحقق می‌یابد، به‌طوری که حتی پیامبر و مؤمنان همراه او از تأخیر آن ناامید شده و می‌پرسند «متی نصر الله؟» (چه زمانی پیروزی خداوند می‌آید؟) اما در انتها خداوند می‌فرماید که پیروزی او نزدیک است.

۷. خداوند متعال می‌فرماید: {وَلَوْ قَاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوَلَّوْا الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا} (۲۲) سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا؛ «و اگر کسانی که کافر شدند، با شما می‌جنگیدند، یقیناً پشت می‌کردند (و از میدان فرار می‌کردند) آنگاه یار و یآوری نمی‌یافتند (۲۲) (این) سنت الله است، که پیش از این (نیز) گذشته است، و برای سنت الله هرگز دگرگونی نخواهی یافت» [الفتح: ۲۲-۲۳]

سنت پیروزی، جانشینی و تمکین برای مؤمنان

این آیه به طور صریح و محکم به این نکته اشاره دارد که اگر کافران با شما بجنگند، قطعاً خداوند آنها را شکست داده و مؤمنان را پیروز خواهد کرد. این شکست برای کافران به دلیل خذلان خداوند و عدم حمایت از آنان خواهد بود که موجب فرار و شکست آنها و پیروزی مؤمنان می شود. طبری گفته است: خداوند می فرماید که اگر این کافران قریش با شما جنگ کنند، خداوند آنها را تضعیف کرده و از شما شکست خواهند خورد؛ همان طور که خداوند کافران اقوام گذشته را که در برابر مؤمنان ایستاده بودند، شکست داده است.^۱

معنای «سُنَّةَ اللَّهِ» در این آیه همان طور که زجاج گفته است، یعنی: اگر کسانی که با شما نمی جنگند، با شما می جنگیدند، قطعاً بر آنها پیروز می شدید، زیرا سنت خداوند نصرت اولیای اوست.^۲

ابن سعدی نیز گفته است: این سنت خداوند در امت های پیشین بوده است که لشکر خدا همیشه پیروزند. ابن عاشور نیز بیان کرده است که این سنت خداوند است که در هر زمانی و در هر جنگی که مؤمنان نیتشان نصرت دین خدا باشد، خداوند از آنها حمایت کرده و به آنها پیروزی می دهد: {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ} «ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر (دین) الله را

(۲) تفسیر الطبری: ۲۸۷/۲۱

(۱) زاد المسیر

سنت پیروزی، جانشینی و تمکین برای مؤمنان |

یاری کنید، (الله) شما را یاری می‌کند و گام‌هایتان را (ثابت و) استوار می‌دارد» [محمد: ۷] {وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ} «و مسلماً الله یاری می‌کند کسی که (دین) او را یاری دهد» [الحج: ۴۰] حتی اگر در برخی از نبردها شکست‌های موقتی داشته باشند، مانند آنچه در روز احد اتفاق افتاد. خداوند همچنین فرموده است: «وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى» (سوره طه: ۱۳۲)، یعنی پیروزی در نهایت از آن کسانی است که تقوا دارند.^۱

بخش دوم: دلایل مربوط به سنت استخلاف، تمکین و وراثت:

۱. الله متعال می‌فرماید: {وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ} «الله به کسانی از شما که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند؛ وعده داده است که قطعاً آن‌ها را در زمین جانشین (و حکمران) خواهد کرد، همان گونه که کسانی را که پیش از آن‌ها بودند جانشین (و حکمران) ساخت، و دین‌شان را که برای آن‌ها پسندیده است برای آن‌ها استوار (و پا برجا) سازد، و یقیناً (خوف و) ترس‌شان را به آرامش و امنیت مبدل می‌کند، تنها مرا پرستش می‌کنند و چیزی را با من

(۱) التحرير والتنوير: ۱۸۲/۲۶

سنت پیروزی، جانشینی و تمکین برای مؤمنان |

شریک نمی‌سازند، و کسانی که بعد از این کافر شوند، اینانند که فاسقند»

[النور: ۵۵]

این آیه، یکی از آیات محوری در سنت استخلاف است. این آیه پر از معانی است که اثبات می‌کند استخلاف یک سنت الهی است. همچنین شروط آن، مفهوم آن و دیگر نکات مرتبط را بیان می‌کند. بنابراین، بهترین تفاسیر مفسران را درباره این آیه، حتی اگر طولانی باشد، نقل خواهیم کرد:

طبری در تفسیر خود می‌گوید:

«لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ» یعنی: خداوند زمین مشرکانِ عرب و عجم را به آنان (مومنان راستین) به ارث می‌دهد و آنان را حاکمان و رهبران آن قرار می‌دهد، «كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ» یعنی همان‌طور که این کار را پیش از آنان با بنی اسرائیل انجام داد، هنگامی که جباران شام را نابود کرد و آنان (بنی اسرائیل) را پادشاهان و ساکنان آن سرزمین قرار داد. «وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ» یعنی: دینشان (آیینشان) را که خداوند برایشان پسندیده است، برایشان استوار می‌سازد و آنان را به اجرای آن فرمان می‌دهد.^۱

(۱) تفسیر الطبری: ۳۴۶/۱۷

سنت پیروزی، جانشینی و تمکین برای مؤمنان |

در سخن طبری، ارتباط میان استخلاف و به ارث دادن مشهود است. توضیح برخی آیات قرآنی دیگر درباره سنت وراثت مؤمنان بر زمین مشرکان در ادامه خواهد آمد.

ابن جوزی می‌گوید:

«لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ» یعنی: خداوند آنان را جانشین پیشینیان می‌گرداند و به معنای این است که زمین کافرانِ عرب و عجم را به آنان به ارث می‌دهد و آنان را پادشاهان، حاکمان و ساکنان آن می‌گرداند.^۱

«وَلَيَمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمْ» یعنی: دین اسلام را برایشان استوار می‌کند و استواری آن در این است که بر تمام ادیان غالب گردد.^۲

ابن عاشور در تفسیر این آیه می‌گوید:

«تمکین دین به معنای انتشار آن در قبایل و ملت‌ها و فراوانی پیروان آن است. واژه «تمکین» که در اصل به معنای تثبیت و استوارسازی است، برای دلالت بر شیوع و گسترش به کار رفته است؛ زیرا هرگاه دینی گسترش یابد، از نابودی در امان خواهد

(۲) زاد المسیر فی علم التفسیر: ۳۰۴/۳

(۳) همان

سنت پیروزی، جانشینی و تمکین برای مؤمنان |

بود و مانند چیزی است که تثبیت و استوار شده است، اما اگر پیروان آن اندک باشند، مانند چیزی متزلزل و ناپایدار خواهد بود.^۱

ابن کثیر می‌گوید:

این وعده‌ای است از سوی خداوند به پیامبرش - صلی الله علیه وسلم - که امت او را خلفای زمین خواهد ساخت؛ یعنی آنان را امامان و حاکمان مردم قرار می‌دهد، به گونه‌ای که سرزمین‌ها به دست آنان آباد می‌گردد و مردم از آنان اطاعت می‌کنند و پس از ترسشان از مردم، امنیت و حکمتی به آنان می‌بخشد.

خداوند متعال این وعده را محقق ساخت و ستایش و لطف از آن اوست؛ زیرا پیامبر - صلی الله علیه وسلم - از دنیا رفت تا اینکه خداوند مکه، خیبر، بحرین، تمام جزیره‌العرب و یمن را برای او فتح کرد. همچنین جزیه از مجوس هجرو برخی نقاط شام گرفته شد. هراکلیوس، پادشاه روم و مقوقس، حاکم مصر و اسکندریه و پادشاهان عمان و نجاشی، پادشاه حبشه (پس از اصحمه)، با پیامبر - صلی الله علیه وسلم - مصالحه کردند و به او احترام گذاشتند. خداوند او را مشمول رحمت و کرامت خود قرار دهد.

(۲) التحریر والتتویر: ۲۸۷/۱۸

سنت پیروزی، جانشینی و تمکین برای مؤمنان

سپس هنگامی که رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - از دنیا رفت و خداوند او را به مقام کرامت و نعماتی که نزد خود داشت، رساند، اداره امور به دست خلیفه او، ابوبکر صدیق رضی الله عنه سپرده شد.^۱ وی به ذکر فتوحات صحابه و جانشینان آنان پرداخت و سپس گفت:

«و در این آیه که می‌فرماید: {كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ}، اشاره‌ای است به آنچه خداوند درباره موسی - صلی الله علیه وسلم - نقل کرده که به قومش گفت: {عَسَى رَبُّكُمْ أَنْ يُهْلِكَ عَدُوَّكُمْ وَيَسْتَخْلِفَكُمْ فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ} «امید است پروردگارتان دشمن شما را هلاک کند، و شما را در زمین جانشین سازد، پس بنگرد چگونه عمل می‌کنید» [الأعراف: ۱۲۹] و نیز فرموده است: {وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ} (ه) وَنُمْكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُزِّيْ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ} «و می‌خواهیم بر کسانی که در زمین به استضعاف کشیده شده‌اند، منت گذاریم و آنان را پیشوایان سازیم، و آنان را وارثان (زمین) قرار دهیم (ه) و آن‌ها را در زمین تمکن (و حکومت) دهیم و به فرعون و هامان و لشکریان آن دو، از (دست) آن‌ها (بنی اسرائیل) آنچه را که از آن می‌ترسیدند، نشان دهیم» [القصص: ۵-۶]^۲

(۲) تفسیر ابن کثیر: ۶/۷۰-۷۱

(۱) تفسیر ابن کثیر: ۶/۷۳

سنت پیروزی، جانشینی و تمکین برای مؤمنان |

سپس ادامه داد: «صحابه، چون پس از پیامبر - صلی الله علیه وسلم - مطیع‌ترین مردم نسبت به اوامر خداوند متعال بودند و بیشترین پایبندی را به دین داشتند، به همان نسبت یاری و نصرت یافتند. آنان کلمه و دین خدا را در شرق و غرب جهان آشکار ساختند و تأیید بزرگی از جانب خداوند دریافت کردند و بر دیگر بندگان و سرزمین‌ها حاکم شدند.

اما هنگامی که مردم پس از آنان در انجام برخی از اوامر کوتاهی کردند، به همان نسبت از نصرت و برتری‌شان کاسته شد. با این حال، در صحیحین (بخاری و مسلم) از چند طریق صحیح نقل شده که پیامبر - صلی الله علیه وسلم - فرمود: «همواره گروهی از امت من بر حق و پیروز هستند و آنان را ضرری از سوی کسانی که یاری‌شان نمی‌کنند یا مخالف‌شان هستند، نخواهد رسید تا روز قیامت.» در روایتی دیگر آمده: «تا آنکه امر خدا فرا برسد و آنان همچنان بر حق باشند.» و در روایتی دیگر: «تا آنکه با دجال بجنگند.» و در روایتی دیگر: «تا آنکه عیسی پسر مریم نازل شود و آنان همچنان پیروز باشند.» تمام این روایت‌ها صحیح هستند و میانشان هیچ تعارضی وجود ندارد.^۱

ابن عاشور نیز گفته است: «و جمله {يَعْبُدُونِي} حال از ضمائر پیشین غایب است، یعنی این وعده در حالی تحقق یافت که من را عبادت می‌کردند. این حال نشان

(۲) تفسیر ابن کثیر: ۷۴/۶

سنت پیروزی، جانشینی و تمکین برای مؤمنان |

می‌دهد که این وعده پاداشی برای آنان است، یعنی من این وعده فراگیر و ماندگار را به آنان و نسل‌های پس از آنان دادم، زیرا آنان مرا خالصانه و بدون شرک می‌پرستند.^۱

ابن سعدی در توضیح اینکه این وعده محدود و مخصوص به یاران پیامبر - صلی الله علیه وسلم - نیست، می‌گوید:

«این یکی از وعده‌های صادق الهی است که تحقق و مصداق آن مشاهده شده است. خداوند وعده داده است که هرکس از این امت به ایمان و عمل صالح پایبند باشد، او را جانشین زمین خواهد کرد و آنان را اداره‌کنندگان و متصرفان امور آن خواهد ساخت. همچنین دینشان را که دین اسلام است و برتر از تمام ادیان است و خداوند آن را به سبب برتری و شرافت این امت و نعمت‌هایش بر آنان برگزیده، برایشان تثبیت و استوار خواهد کرد. بدین ترتیب، آنان قادر خواهند بود احکام و شرایع این دین را چه درون خود و چه در میان دیگران، به صورت کامل و بی نقص اجرا کنند، در حالی که دیگر ادیان و کافران در برابرشان مغلوب و خوار خواهند بود. خداوند همچنین وعده داده که بعد از دوران ترس و ناامنی که در آن هر فرد مسلمان

(۱) التحریر والتنویز: ۲۸۸/۱۸

سنت پیروزی، جانشینی و تمکین برای مؤمنان |

نمی‌توانست بدون آزار و اذیت شدید از سوی کافران دین خود را آشکار کند و جماعت مسلمانان نسبت به دیگران بسیار اندک بودند، شرایط را تغییر دهد. در آن زمان، تمام اهل زمین علیه مسلمانان متحد شده بودند و برای نابودی آنان توطئه می‌کردند. اما خداوند این امور را در زمانی وعده داد که آیه نازل شد، در حالی که هنوز جانشینی در زمین، تثبیت قدرت و برپایی کامل دین اسلام و امنیت تمام محقق نشده بود. سپس، صدر این امت با ایمان و عمل صالح خود به درجه‌ای رسیدند که بر دیگران برتری یافتند. خداوند سرزمین‌ها و بندگان را به آنان واگذار کرد، مشرق‌ها و مغرب زمین را فتح کردند و امنیت کامل و قدرت تمام به دست آوردند. این از نشانه‌های عجیب و خارق‌العاده خداوند است و این وضعیت تا روز قیامت ادامه خواهد داشت؛ هرگاه مسلمانان به ایمان و عمل صالح پایبند باشند، وعده خداوند حتماً تحقق خواهد یافت. اما اگر مسلمانان در ایمان و عمل صالح کوتاهی کنند، خداوند کافران و منافقان را بر آنان مسلط کرده و گاهی به آنان غلبه خواهد داد.^۱

۲. {وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِرُسُلِهِمْ لَنُخْرِجَنَّكُمْ مِّنْ أَرْضِنَا أَوْ لَتَعُوْدَنَّ فِي مِلَّتِنَا فَأَوْحَىٰ إِلَيْهِمْ رَبُّهُمْ لَنُهْلِكَنَّ الظَّالِمِينَ (۱۳) وَلَنُسْكِنَنَّكُمُ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِهِمْ ذَلِكَ لِمَنْ خَافَ مَقَامِي وَخَافَ وَعِيدِ} «و کسانی که کافر شدند به پیامبران شان گفتند: ما قطعاً شما را از سرزمین خود بیرون خواهیم کرد، یا اینکه به آیین ما باز

(۱) تفسیر السعدی: ۵۷۳

سنت پیروزی، جانشینی و تمکین برای مؤمنان

گردید پس پروردگارشان به آنها وحی فرستاد که: یقیناً ستمگران را نابود خواهیم کرد (۱۳) و شما را بعد از آنها در زمین سکونت خواهیم داد، این (وعده) برای کسی است که از وقوف در پیشگاه من بترسد، و از وعید (عذاب) من بیمناک باشد» [ابراهیم: ۱۳-۱۴]

این آیه به سنت خداوند درباره واگذاری سرزمین کافران به مؤمنان پس از مبارزه و نابودی آنان اشاره دارد. همان طور که طبری توضیح داده است، این امر سنتی است که همواره ادامه دارد. او در توضیح آیه می‌گوید:

{وَلَنُصَلِّنَّكُمْ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِهِمْ} وعده‌ای از جانب خداوند است برای پیامبرانی که به آنان وعده نصرت داده بود، تا بر کافران قوم خود پیروز شوند. یعنی هنگامی که امت‌های پیامبران در کفر خود اصرار می‌ورزیدند و پیامبران‌شان را تهدید می‌کردند، خداوند به پیامبران خود وحی می‌فرستاد که کافران قومشان را نابود خواهد کرد و وعده نصرت را به آنان می‌داد.

این وعده و تهدید از سوی خداوند، هشدار و عبرتی برای مشرکان قوم پیامبر ما محمد - صلی الله علیه وسلم - بود، که آنان را به سبب کفرشان و جسارت بر پیامبر

(۱) این عادت امام طبری است که آیات متعلق به پیامبران گذشته را به پیامبر ما محمد - صلی الله علیه وسلم - ربط می‌دهد.

سنت پیروزی، جانشینی و تمکین برای مؤمنان

تهدید می‌کرد و در عین حال، پیامبر - صلی الله علیه وسلم - را به صبر و پایداری دعوت می‌نمود، همان‌گونه که پیامبران صاحب‌عزم پیش از او صبر کردند. خداوند به پیامبر - صلی الله علیه وسلم - اطمینان می‌داد که عاقبت کفر کافران، نابودی است و سرانجام کار او و مؤمنان، پیروزی بر آنان خواهد بود.

آیه‌ای دیگر از این سنت سخن می‌گوید: {سُتَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ} [احزاب: ۶۲]. یعنی این روش و سنت خداوند در میان امت‌های پیشین بوده است. در ادامه، خداوند می‌فرماید: {ذَلِكَ لِمَنْ خَافَ مَقَامِي وَخَافَ وَعِيدِ}؛ یعنی، این سنت الهی برای کسانی است که از جایگاه من در قیامت هراس داشته و از وعده عذاب من بیمناک هستند. خداوند می‌فرماید: چنین کسانی، که با طاعت از من پرهیزکاری پیشه می‌کنند و از خشم من دوری می‌جویند، مورد حمایت من قرار می‌گیرند. من آنان را بر کسانی که قصد آسیب رساندن به ایشان دارند و به دنبال بدی برایشان هستند، یاری می‌کنم. دشمنشان را نابود کرده، او را خوار و زمین و خانه‌هایش را به آنان واگذار می‌کنم.^۱

ابن کثیر در تفسیر خود آیات مشابه این دو آیه را آورده و می‌فرماید: خداوند در این آیات به وعده‌ای که برای کافران از سوی پیامبرانشان بوده است اشاره کرده و در آن‌ها سخن از تهدید به اخراج از سرزمین‌هایشان و نابودی آمده است. به عنوان

(۱) تفسیر الطبري: ۶۱۳/۱۳

سنت پیروزی، جانشینی و تمکین برای مؤمنان

مثال: قوم شعیب به او و پیروانش گفتند: {لَنُخْرِجَنَّكَ يَا شُعَيْبُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَكَ مِنْ قَرْيَتِنَا أَوْ لَتَعُوذُنَّ فِي مِلَّتِنَا} «ای شعیب! قطعاً تو و کسانی را که با تو ایمان آورده‌اند، از شهر (و دیار) خویش بیرون خواهیم کرد، یا اینکه به آیین ما باز گردید» [الأعراف: ۸۸] قوم لوط نیز به او گفتند: {أَخْرِجُوا آلَ لُوطٍ مِّنْ قَرْيَتِكُمْ إِنَّهُمْ أَنَاسٌ يَّتَطَهَّرُونَ} «خاندان لوط را از قریه خود بیرون کنید، که این‌ها مردمانی (پاکدامن و) پاکیزه‌جو هستند!» [النمل: ۵۶] مشرکان قریش نیز به پیامبر - صلی الله علیه وسلم - تهدید کردند: {وَإِنْ كَادُوا لَيَسْتَفِزُّوكَ مِنَ الْأَرْضِ لِيُخْرِجُوكَ مِنْهَا وَإِذَا لَا يَلْبَثُونَ خِلَافَكَ إِلَّا قَلِيلًا} «و نزدیک بود (با مکر و توطئه) تو را از (سرزمین) (مکه) بلغزانند، تا ترا از آن بیرون کنند، (و اگر چنین می‌کردند) آنگاه پس از تو جز مدت کمی (باقی) نمی‌ماندند» [الإسراء: ۷۶] همچنین در سوره انفال آمده است که کافران علیه پیامبر - صلی الله علیه وسلم - قصد توطئه داشتند: {وَإِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يُخْرِجُوكَ وَيَمْكُرُونَ وَيَمْكُرُ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ} «و (به یاد آور) آنگاه که کافران در (باره) تو نقشه می‌کشیدند، که تو را به زندان بیفکنند، یا تو را بکشند، و یا (از مکه) بیرون کنند، آن‌ها چاره و مکر می‌اندیشیدند، و الله (هم) تدبیر می‌کرد، و الله بهترین (چاره‌جویان و) تدبیرکنندگان است» [الأنفال: ۳۰]

ابن کثیر توضیح می‌دهد که در نهایت، خداوند پیامبر خود را یاری کرد، او را پیروز ساخت و به سبب هجرت از مکه، برای او یارانی و حامیانی فراهم آورد. این یاران در

سنت پیروزی، جانشینی و تمکین برای مؤمنان

راه خدا جهاد کردند و خداوند به تدریج پیامبر را از مرحله‌ای به مرحله دیگر برد، تا در نهایت مکه را که او را از آن اخراج کرده بودند، فتح کند و در آن جا به سلطه و قدرت برسد. دشمنان پیامبر - صلی الله علیه وسلم -، چه از قریش و چه از دیگر مناطق، در برابر او تسلیم شدند و بسیاری از مردم در زمان کوتاهی به دین اسلام گرویدند و دین اسلام در مشرق و مغرب زمین منتشر شد و بر دیگر ادیان غالب آمد. از این رو الله متعال می‌فرماید:

○ {فَأَوْحَىٰ إِلَيْهِمْ رَبُّهُمْ لَنُهْلِكَنَّ الظَّالِمِينَ (۱۳) وَلَنُسَكِّنَنَّكُمْ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِهِمْ؛

«پس پروردگارشان به آن‌ها وحی فرستاد که: یقیناً ستمگران را نابود خواهیم

کرد (۱۳) و شما را بعد از آن‌ها در زمین سکونت خواهیم داد» [ابراهیم: ۱۳-۱۴]

○ {وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ (۱۷۱) إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ (۱۷۲) وَإِنَّ

جُنْدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ} «و به راستی وعده ما برای بندگان فرستاده ما از پیش

صادر شده است (۱۷۱) که هر آینه آن‌ها یاری شدگانند (۱۷۲) و بی‌گمان لشکر

ما پیروزند» [الصافات: ۱۷۱-۱۷۳]

○ {كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ} «الله مقرر داشته است که یقیناً

من و رسولانم پیروز می‌شویم؛ بی‌گمان الله نیرومند شکست‌ناپذیر است»

[المجادلة: ۲۱]

سنت پیروزی، جانشینی و تمکین برای مؤمنان

○ {وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ} «و به

راستی بعد از ذکر (تورات) در زبور نوشتیم که: زمین را بندگان صالح من به ارث خواهند برد» [الأنبياء: ۱۰۵]

○ {قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ

عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ} «موسی به قومش گفت: از الله یاری بجوئید، و صبر (و استقامت) پیشه کنید، همانا زمین از آن الله است، به هرکس از بندگان او که بخواهد آن را به میراث می‌دهد (و می بخشد) و عاقبت (نیک) از آن پرهیزگاران است» [الأعراف: ۱۲۸]

○ {وَأَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضَعُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْنَا

فِيهَا وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَىٰ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا وَدَمَرْنَا مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ فِرْعَوْنَ وَقَوْمَهُ وَمَا كَانُوا يَعْرِشُونَ} «و شرق و غرب زمین را که در آن برکت داده بودیم؛ به گروهی که ناتوان (و مستضعف) شمرده می‌شدند، به میراث دادیم، و وعده نیک پروردگارت بر بنی اسرائیل، بخاطر صبر (و استقامتی) که کردند، تحقق یافت، و آنچه فرعون و قوم او می‌ساختند، و آنچه را که بر می‌افراشتند در هم کوبیدیم (و ویران کردیم)» [الأعراف: ۱۳۷]^۱

(۱) تفسیر ابن کثیر: ۴/۴۱۵

چهار: رابطه این سنت با سایر سنت‌ها

پیش‌تر در چارچوب ضوابط روش‌شناسی مربوط به درک سنت نصر (پیروزی) توضیح داده شد که این سنت در پی مجموعه‌ای از سنت‌های الهی دیگر تحقق می‌یابد. از مهم‌ترین سنت‌های الهی مرتبط با سنت پیروزی عبارتند از:

۱. سنت آزمایش و ابتلاء: پیروزی تنها پس از گذر از این مرحله حاصل می‌شود.

۲. سنت درگیری و رویارویی بین حق و باطل.

۳. سنت گردش و تبادل در میان مردم (روزهای پیروزی و شکست).

۴. سنت تمایز میان پاک و ناپاک: این سنت شامل پالایش مؤمنان و تمییز بین خالصان و ناخالصان است. رابطه میان این سنت و سنت پیروزی کامل، بدین معناست که پیروزی نهایی تنها برای مؤمنان خالص رقم می‌خورد. از این رو، پیش از تحقق پیروزی، تمییز و پالایش از طریق آزمایش‌ها و ابتلائات ضروری است. این موضوع در سیرت پیامبر - صلی الله علیه وسلم - نیز به وضوح دیده می‌شود.

پنج: حکمت‌ها و اهداف سنت پیروزی

خداوند متعال، نصرت و یاری مؤمنان را مقدر کرده است و این امر دارای حکمت‌ها و اهداف فراوانی است، از جمله:

سنت پیروزی، جانشینی و تمکین برای مؤمنان

۱. اعلای کلمه الله: خداوند یاران خود را یاری می‌دهد تا کلمه و دین او برتری یابد.

۲. گرایش و دخول مردم به دین خداوند: مردم اغلب از قدرت پیروی می‌کنند. هنگامی که خداوند بندگان مؤمن خود را یاری می‌کند، این امر باعث می‌شود که بسیاری به دین آنان وارد شوند. اگرچه ممکن است ایمان برخی در ابتدا محکم و قوی نباشد، اما به مرور زمان این ایمان در برخی از آنان به استحکام و یقین بدل خواهد شد.

۳. تکریم اولیای الله و اجابت دعای آنان: خداوند دل‌های مؤمنان را شفا می‌دهد و کینه‌های آنان را از میان می‌برد. چنانکه می‌فرماید: {قَاتِلُوهُمْ يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ وَيُخْزِيهِمْ وَيَنْصُرْكُمْ عَلَيْهِمْ وَيَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُّؤْمِنِينَ (۱۴) وَيُذْهِبَ غَيْظَ قُلُوبِهِمْ} «با آن‌ها بجنگید، تا الله با دستان شما عذاب‌شان کند، و آنان را رسوا سازد، و شما را بر آن‌ها پیروزی دهد، و سینه گروه مؤمنان را شفا می‌بخشد (۱۴) و خشم دل‌های شان را از میان می‌برد» [التوبة: ۱۴-۱۵]

۴. شکست دشمنان خدا و نابودی آنان: خداوند کافران را سرکوب و نسل آنان را قطع می‌کند و آنان را به عذاب دچار می‌سازد. چنانکه می‌فرماید: {وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ} «و بی‌گمان الله شما را در (جنگ) بدر یاری کرد در حالی که شما ناتوان بودید» [آل عمران: ۱۲۳] سپس می‌گوید: {لَيَقْطَعَ طَرَفًا مِّنَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَوْ يَكْبِتُهُمْ

سنت پیروزی، جانشینی و تمکین برای مؤمنان

فَيَنْقَلِبُوا خَائِبِينَ} «تا گروهی از کسانی که کافر شده‌اند؛ هلاک و نابود کند، یا آنان را خوار و مغلوب نماید، آنگاه مأیوس و ناامیدانه باز گردند» [آل عمران: ۱۲۷]

طبری در تفسیر آیه «وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ» می‌گوید: تاویل این آیه این است که خداوند با جنگ بدر گروهی از کافران را به وسیله شمشیر نابود کرد، یا آنان را با ناامیدی از آنچه که به آن امید داشتند، خوار ساخت (وَيَنْقَلِبُوا خَائِبِينَ). به این معنا که دشمنان از شما باز می‌گشتند و چیزی از آنچه که آرزو داشتند و قصد داشتند به دست آورند، به دست نیاوردند.^۱ طبری همچنین اشاره می‌کند که ممکن است جمله «لَيَقْطَعَ طَرَفًا» مربوط به آیه قبلی باشد که در آن آمده است: «وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ»، یعنی پیروزی تنها از سوی خداوند عزیز و حکیم است. از این رو، سعدی در تفسیر خود از این آیه، برخی از حکمت‌های پیروزی را توضیح داده می‌گوید: خداوند در این آیه به یکی از دو علت از علل پیروزی خود بر مؤمنان اشاره می‌کند: یا اینکه بخشی از کسانی که کفر ورزیده‌اند (یعنی گروهی از دشمنان) از میان برداشته می‌شوند. این کاهش می‌تواند به وسیله کشتن، اسیر کردن، تصرف سرزمین یا غنیمت گرفتن اموال باشد. بدین وسیله مؤمنان تقویت می‌شوند و کافران تضعیف می‌گردند. زیرا مقاومت و مبارزه کافران علیه اسلام از طریق افراد، سلاح‌ها، اموال و زمین‌هایشان صورت می‌گیرد و با این عوامل است که مقاومت و

(۱) تفسیر الطبری: ۴۱/۶

سنت پیروزی، جانشینی و تمکین برای مؤمنان

جنگ با اسلام امکان پذیر می شود. بنابراین، از دست دادن هریک از این عوامل باعث کاهش قدرت دشمن می شود.

امردوم این است که کافران با قوت و فراوانی خود، طمع در مسلمانان می کنند و به خود امید می دهند، به شدت به آن می پردازند و تمام تلاش و اموال خود را در این راه صرف می کنند. سپس خداوند مؤمنان را بر آن ها پیروز می کند و آنان را درمانده و ناامید می سازد، به گونه ای که هیچ کدام از اهداف خود را به دست نمی آورند و با شکست، غم و حسرت باز می گردند. اگر به واقعیت بنگری، می بینی که پیروزی خداوند بر بندگان مؤمنش در میان این دو امر می چرخد و خارج از آن ها نیست: یا پیروزی بر دشمنان یا فشل شدن و ناکامی برای آن ها.^۱

۵. بازگشت کافران به سوی خداوند (توبه): هنگامی که عزت اسلام و قدرت مسلمانان را مشاهده می کنند، ممکن است برخی از آنان به خداوند بازگشته و توبه کنند همان طور که در آیه پیشین آمده است: «أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ»، بر اساس دیدگاهی که این جمله به آیه قبل از آن معطوف است: {لَيَقْطَعَ طَرَفًا}.

۶. برپایی پیشوایان و رهبران هدایتگر که مردم را به کامل ترین هدایت رهنمون می کنند، کسانی که به دین خدا عمل می کنند و آن را حاکم می سازند، و این امر جز

(۲) تفسیر السعدی: ۱۴۶

سنت پیروزی، جانشینی و تمکین برای مؤمنان |

با نصر و تمکین ممکن نیست. همان‌طور که ابن سعدی رحمه الله گفته است: {وَجَعَلَهُمْ أُمَّةً} (سوره القصص: ۵) «آنان را پیشوایانی در دین قرار دادیم» و این نمی‌تواند تحقق یابد مگر با قدرت و تمکین در زمین.^۱

شش: آثار و نتایج آگاهی از سنت پیروزی

۱. توکل به خداوند متعال و تکیه بر او: یکی از مهم‌ترین قواعد سنت پیروزی این است که نصرت تنها از جانب خداوند است. پیروزی تنها با توکل و اعتماد بر خداوند حاصل می‌شود، همان‌گونه که خداوند بین این حقیقت و دستور به توکل جمع کرده می‌فرماید: {إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِنْ يَخْذُلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُكُمْ مِّنْ بَعْدِهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ} «اگر الله شما را یاری کند، هیچ کس بر شما پیروز نخواهد شد، و اگر شما را به خود و اگذارده (و یاری‌تان نکند) پس چه کسی بعد از او شما را یاری خواهد کرد؟ و مؤمنان باید تنها بر الله توکل کنند» [آل عمران: ۱۶۰]

۲. آمادگی برای صبر: صبر شرط اساسی برای پیروزی است و بدون آن، پیروزی ممکن نیست. کسی که این سنت را درک می‌کند، همواره صبر پیشه می‌کند و بر آن ثابت‌قدم می‌ماند تا پیروزی فرا رسد.

(۱) تفسیر السعدی: ۶۱۱

سنت پیروزی، جانشینی و تمکین برای مؤمنان |

۳. تحقق اطاعت از خداوند و رسول او و دوری از گناه: به‌ویژه در زمینه جهاد در راه خدا، آگاهی از این سنت، اطاعت و فرمان‌برداری را تقویت می‌کند، زیرا این سنت به پاسخ‌گویی و پیروی از دستورات الهی وابسته است.

۴. ثبات قلب و نترسیدن از دشمنان: ایمان به سنت پیروزی و ارتباط آن با قدرت الهی، نه قدرت انسان‌ها، باعث می‌شود دل‌ها استوار شوند و مؤمنان از دشمنان هراسی نداشته باشند.

۵. تلاش برای اقامه دین الله و اخلاص در جهاد: فهم سنت پیروزی اقتضا می‌کند که افراد برای اعلا‌ی کلمه خداوند جهاد کنند و در این مسیر اخلاص داشته باشند. چنان‌که خداوند می‌فرماید: {وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ} «و مسلماً الله یاری می‌کند کسی‌که (دین) او را یاری دهد» [الحج: ۴۰] این پیروزی تنها با جهاد در راه خدا و برای برتری دین او تحقق می‌یابد.

هفت: تطبیق این سنت بر واقع معاصر

۱. واقع معاصر امت اسلامی نباید تنها با یک قضاوت کلی ارزیابی شود، زیرا امت اسلامی در حرکت خود یکپارچه نیست و سنت‌ها در مکان واحد به طور یکسان بر آن صدق نمی‌کند. با وجود اینکه امت اسلامی عموماً دچار ضعف و ناتوانی است، در برخی کشورها افرادی برای برپایی پرچم اسلام و مبارزه با

سنت پیروزی، جانشینی و تمکین برای مؤمنان |

دشمنان خدا جهاد کرده‌اند. به این ترتیب، سنت‌ها بر آنان صدق کرده و به پیروزی و تمکین دست یافته‌اند، همان‌گونه که برای برادرانمان در افغانستان اتفاق افتاد؛ آنان به مدت بیست سال در راه خدا جهاد کردند و در این مسیر دچار آزمون‌های بزرگی شدند، تا اینکه خداوند به آنان گشایش بخشید و دشمنانشان را خوار و زبون ساخت. این نمونه‌ای از تمکین برای بخشی از امت اسلامی است، هرچند این تمکین تحت تأثیر وضعیت کلی امت اسلامی، یعنی ضعف، سستی و تسلط دشمنان قرار داشته و تمکینی محدود است، اما بدون نصرت، کمک و تأیید الهی به دست نیامده است.

در فلسطین نیز برادران ما همچنان در نبرد با اشغالگران هستند و در چارچوب سنت‌ها در حال حرکت‌اند تا خداوند به آنان پیروزی عطا کند. امید است که خداوند به زودی تسهیل کند که امت اسلامی نیز در این مسیر مشارکت داشته باشد و دشمنان خدا را شکست دهد.

یکی از مهم‌ترین نکاتی که برادران ما در مقاومت فلسطین باید در نظر داشته باشند، تمییز بین خوب و بد است. آنان نباید صفوف اهل سنت را با مجرمان از گروه‌های رافضی که در سوریه و عراق به شدت با اهل سنت جنگیدند و جنایات بزرگی مرتکب شدند، مخلوط کنند. نباید این گروه‌ها را با جنود اسلام که پیامبر - صلی الله علیه وسلم - درباره‌شان فرمود: «امر به گونه‌ای خواهد شد که شما به گروه‌های مختلف

سنت پیروزی، جانشینی و تمکین برای مؤمنان |

تقسیم خواهید شد؛ گروه‌هایی در شام، گروه‌هایی در یمن و گروه‌هایی در عراق^۱ اشتباه بگیرند.

نباید برادران آنان را به عنوان شهیدان قدس و مدافعان مقدسات توصیف کنند، زیرا خون ما هنوز از بمب‌ها و سلاح‌های آنان می‌ریزد، علاوه بر انحراف شدید اعتقادی و فساد آنها که بر هیچ‌کس پنهان نیست، اما این موضوع نیاز به پاکسازی قلب از آلودگی‌ها دارد.

این به معنای عدم بهره‌برداری از حمایت‌های آنان همان‌طور که از دیگران استفاده می‌شود نیست. این یک مسأله دیگر است و هیچ مانعی برای تشکر از آنان در حد جایگاهشان بدون افراط و اغراق وجود ندارد. همچنین، قدردانی از تلاش‌های آنان در پشتیبانی و حمایت جایز است، اما مشکل در تزکیه آنها و تطهیر جنایاتشان است. وارد کردن آنان در زمره مدافعان دین و مقدسات، نوعی اختلاط حق و باطل و آمیختن خوب و بد است.

من از زاویه دید سنت الهی در تمیز بین خوب و بد صحبت می‌کنم، که یکی از مقدمات پیروزی و تمکین است. لذا باید نسبت به این محاسبات دقیق توجه داشت. از خداوند می‌خواهیم که برادرانمان را حفظ کند و آنان را یاری دهد.

(۱) سنن أبی داود: ۲۴۸۳

سنت پیروزی، جانشینی و تمکین برای مؤمنان

در سوریه نیز برادران ما همچنان در تلاش برای دفع دشمنان الله از جمله گروه‌های باطنی و حامیان آنان هستند هرچند که به دلیل تفرقه و اختلافات زیاد، پیشرفت‌های زیادی نداشته‌اند. اگر دیدگاه‌های شان متحد می‌شد و صفوفشان یکپارچه می‌گشت، حمایت و یاری خداوند آنان را تقویت می‌کرد و شرایط بهبود می‌یافت، چرا که از شروط پیروزی عدم تفرقه و نزاع است، همان‌طور که الله متعال می‌فرماید: {وَلَا تَزْعُمُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ} «و با همدیگر نزاع نکنید، که سست می‌شوید، و قوت (و مهابت) شما از میان می‌رود» [الأنفال: ۴۶]

نکته مشترک در این نمونه‌ها این است که آنها نمایانگر حالات خاص و محدود در مقابله با دشمنان هستند و نه یک وضعیت عمومی برای تمام امت.

با توجه به بررسی مجموعه سنت‌های الهی و تطبیق آن‌ها بر واقعیت، توقع می‌رود که امت اسلامی در آینده نزدیک با دشمنان خود وارد یک نبرد عمومی شدید خواهد شد. این می‌تواند آغاز مرحله جدیدی از تمکین و احیای عزت، کرامت و عظمت امت اسلامی باشد.

(۱) این کتاب پیش از سقوط نظام بعثی-نُصیری نوشته شده است و بحمدلله همان‌طور که استاد اشاره کرده‌اند با اتحاد جبهه‌ها و گروه‌های مبارز، رژیم بعث ظرف مدت کوتاه یازده روز از شروع عملیات ردع العدوان سقوط کرد و جهاد سوریه نیز به نتیجه رسید. (مترجم)

سنت پیروزی، جانشینی و تمکین برای مؤمنان |

۲. یکی از مهم‌ترین کمبودها در امت اسلامی، در بسیاری از مناطق، فقدان افرادی است که به عنوان اصلاح‌گران در راه خدا و تلاشگران برای تمکین دین او عمل کنند. این افراد نقش اساسی در سنت پیروزی دارند، زیرا پیروزی خداوند بر روی آنان نازل می‌شود. اگر به واقعیت نگاه کنیم، تعداد کمی از افرادی که این ویژگی‌ها را دارند، دیده می‌شود. بر اساس این تحلیل، یکی از مهم‌ترین نتایجی که از این تحقیق در سنت‌های الهی به دست می‌آید، اهمیت تلاش برای تربیت و پرورش اصلاح‌گران است. این امر باید یکی از اولویت‌های اصلی باشد، و سپس باید تلاش کرد تا این اصلاح‌گران در جهت پرکردن خلاهای امت و برآوردن نیازهای مختلف آن فعال شوند.

در سال‌های اخیر، برنامه‌های آموزشی برای تربیت اصلاح‌گران به وجود آمده است که امیدواریم این برنامه‌ها کمک بزرگی به امت اسلامی در انجام این وظیفه باشد. در نهایت، در مناطقی که اصلاح‌گران و حاملان دین وجود ندارند، باید تمرکز بر تربیت این افراد باشد، و در مناطقی که تعداد اصلاح‌گران زیاد است، باید صفات آنان را بر اساس شرایط پیروزی که در اینجا ذکر شده، تکمیل کرد و طبق ویژگی‌های اصلاح‌گران که در کتاب «بوصلة المصلح» به طور مفصل آمده، این افراد را به کمال رساند.